

تراژدی کِرسنت

نگاهی به دعاوی بین‌المللی مرتبط با یک قرارداد گازی



آرش ملکی

پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

در روزهای اخیر و پس از اشاره در مناظره‌های کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری، نام «کِرسنت» مجدداً در فضای رسانه‌ای کشور انعکاس یافت. مطالب متعددی پیرامون ابعاد پیچیده آن مطرح شد و جناح‌های سیاسی با طرح مواضع متفاوت تلاش نمودند کِرسنت را امراه‌ای از سوءمدیریتِ رقیب و توانمندی مدیریتی خود قرار دهند و حتی کار بدان جا رسید که وزرای نفت سابق در فضای مجازی به جدال کلامی با یکدیگر پرداختند. اما واقعیت حقوقی کِرسنت چیست؟

کِرسنت پترولیوم (Crescent Petroleum) نام یک شرکت خصوصی اماراتی فعال در حوزه صنایع بالادستی نفت و گاز است که به سال ۱۹۷۱ تأسیس و دفتر مرکزی آن در شهر شارجه قرار دارد. در سال ۱۳۸۰، شرکت ملی نفت ایران پس از چهار سال مذاکره ذیل مجموعه قراردادی-متشکل از یک قرارداد اصلی، دو اصلاحیه و شش الحاقیه (توافقنامه جانبی)- تابع قوانین ایران با کِرسنت پترولیوم متعهد شد میزان ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیون فوت مکعب گاز فرآوری نشده (گاز ترش) از میدان سلمان- که میان ایران و امارات مشترک است- را به مدت ۲۵ سال- در بازه ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰- به قیمت هجده دلار در هر هزار مترمکعب در چارچوب احداث خط لوله انتقال گاز در خلیج‌فارس به این شرکت بفروشد. در سال ۱۳۸۴، پیرو گزارش‌های نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی و سازمان بازرسی کل کشور، رئیس وقت دیوان محاسبات با استدلالی به صرفه نبودن دستور لغو این قرارداد را صادر نمود.

در سال ۱۳۸۸، شرکت کِرسنت پترولیوم به دلیل توقف یک‌جانبه اجرای تعهدات بین‌المللی از سوی شرکت ملی نفت ایران اختلاف را به دیوان دائمی داوری (Permanent Court of Arbitration) ارجاع داد. در بازه سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، نماینده دولت ایران در لایحه با طرح ادعای وجود فساد در عقد این مجموعه قرارداد، بی‌اعتبار شدن آن را درخواست نمود. با این وصف، دیوان از سال ۲۰۱۸ رسیدگی به این پرونده را آغاز و آن را به دو برهه زمانی- ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (کِرسنت ۱) و ۲۰۱۴

نگاه روزنامه‌نگار

شبهات با «جنبش اصیل منطقه»



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

چندی پیش، نظری درباره شبهات یک تفکر تندرو در داخل کشور با یک تفکر سلفی در مرزهای شرقی مطرح شد، واکنش‌ها به این مشابه‌سازی متفاوت بود. بعضی با اینکه نام‌شان کنار یک چنین گروهی قرار می‌گرفت، معترض بودند. بعضی هم شاید در دل خوشحال شدند اما در نهایت، آن جمله مرع ضمیر خود را پیدا کرد. اما مهم‌تر از دعوای مجازی بر سر شبهات تندروهای ایرانی با تندروهای ساکن سرزمین شرقی، این است که بدانیم چرا چنین شبهاتی به ذهن رسیده است. مگر رادیکال‌های نوانقلابی چه تفکراتی دارند که می‌شود نام‌شان را کنار «جنبش اصیل منطقه» قرار داد و از قضا، این همسان‌سازی توسط بخش‌های زیادی از مردم نیز پذیرفته شود.

۱ آن گروه اعتقاد به پدیده‌ای به نام عرف ندارد. یک شریعت وجود دارد و همه چیز است. در سایه آن نگاهی که این افراد و تفکر به دین و شریعت دارد، اصولاً چیزی به نام انتخاب تعریف نمی‌شود. افراد جامعه یا می‌پذیرند یا باید بپذیرند. جایی برای گفت‌وگو و تأمین نظر اکثریت وجود ندارد. تسامح و تساهل، به رسمیت شناختن و احترام به تکثر در نزد آن گروه جایی ندارد. یک روایت تنگ‌نظرانه از دین خدا دارند که همگان را در تمام شئون مجبور به پیروزی از آن می‌کنند.

۲ «جنبش اصیل منطقه»، با جامعه مدنی زاویه دارد. در واقع نسخه خود را برای اداره جامعه تکمیل و قطعی می‌داند. به همین دلیل اجازه پا گرفتن تشکل‌های مدنی را نمی‌دهد یا آن‌هایی که وجود دارد را تعطیل می‌کند. فروردین همین امسال بود که وزارت عدلیه کشور همسایه اعلام کرد مسئولان ۷۵ نهاد مدنی، خیریه و دو حزب سیاسی را به دستگاه‌های امنیتی معرفی کرد. یکی از مقامات آنان چندی پیش گفته بود که فعالیت احزاب سیاسی مبنای شرعی ندارد و آن‌ها برخلاف منافع ملی کار می‌کنند. در هر صورت، حزب و تشکل سیاسی و مدنی، برتابیده نمی‌شود.

۳ آن‌ها با زنان درگیر هستند. یک روز آرایشگاه‌های زنانه را تعطیل می‌کنند، روز دیگر انجمن‌هایشان را هدف قرار می‌دهند و یک روز با تظاهرات‌شان برخورد می‌شود. یکی از

تا ۲۰۳۰ (کِرسنت ۲). تقسیم نمود. در مورد کِرسنت ۱، دیوان مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱ با صدور رای درباره بخشی از خسارات وارده علیه شرکت اماراتی به اخذ تصمیم مبادرت ورزید. مطابق بند الف از پاراگراف ۸۸۷ این رای، شرکت ملی نفت ایران ناقض قرارداد است و باید مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار به دلیل خساراتی که تا پیش از ۳۱ جولای ۲۰۱۴ موجب شده را پرداخت نماید. اخذ تصمیم درباره کِرسنت ۲ که خواسته آن مبلغ ۳۲ میلیارد یورو است به دلیل جرح دو داور از هیئت سه‌نفره داوران- شامل سرداور و داوری اختصاصی شرکت کِرسنت- تاکنون تعیین تکلیف نشده.

به موازات دیوان دائمی داوری، در محاکم داخلی انگلستان، هلند و ایالات متحده نیز پرونده‌هایی مرتبط با کِرسنت مطرح شد. به تاریخ ۲۱ اکتبر ۲۰۲۰، دادگاه تجاری دیوان عالی دادگستری انگلستان در پرونده دادخواهی شرکت ملی نفت ایران علیه شرکت کِرسنت، ذیل پاراگراف ۶۳ مدعای خواهان را فاقد چشم‌انداز واقع‌بینانه دانست و به نفع کِرسنت پترولیوم رای داد. این رای در تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۲۳ در شعبه تجدید نظرخواهی مورد تأیید قرار گرفت. (پاراگراف‌های ۱۰۰ تا ۱۰۳) همچنین شرکت کِرسنت با دادخواهی نزد دادگاه ناحیه‌ای روتردام (هلند) سبب شد در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۲۲ اعلام شود شرکت ملی نفت ایران از اول دسامبر ۲۰۰۵ به‌طور پیوسته در حال نقض قرارداد معتبری است که با کِرسنت پترولیوم منعقد نموده. مورخ ۳۰ آوریل ۲۰۲۴ نیز دادگاه بدوی ناحیه کلمبیا (ایالات متحده) در پرونده‌ای که شرکت کِرسنت خواهان آن بود به اعتبار رای داوری و محکومیت شرکت ملی نفت ایران به پرداخت ۲/۵ میلیارد دلار به انضمام خسارات تاخیر تأدیه رای داد.

در یک نگاه کلی، پرونده کِرسنت به واسطه گستره موضوعات قراردادی مرتبط با حوزه انرژی‌های فسیلی، برخوردار از پیچیدگی‌های حقوقی فراوانی است که در این مختصر نمی‌گنجد. لیکن، اگر جرح داوران در کِرسنت ۲ را نادیده بگیریم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایران در پرونده کِرسنت تاکنون موفقیت حقوقی کسب نکرده و با این وضعیت، محکومیت در کِرسنت ۲ و ضرورت پرداخت خواسته هگفت ۳۲ میلیارد یورویی به شرکت اماراتی همچون شمشیر داموکلس منافع ملی ایران را تهدید می‌کند. لذا شایسته است متولیان امر در معاونت حقوقی و وزارت نفت با حساسیتِ بیش از پیش پیرامون این پرونده تصمیم بگیرند و با وسواس حداکثری از منافع ملی ایران صیانت نمایند.

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

آخرین حرف پزشکیان قبل از انتخابات فردا خطاب به مردم:

اگر نتوانستم رای‌تان را پس بگیرم

گروه خبر: آخرین روز تبلیغات انتخابات دور دوم، روز شلوغ و پرسفری برای نامزدان اصلاحات بود. مسعود پزشکیان صبح چهارشنبه به کرمانشاه رفت و بعد از زیارت قبور شهدا، در ورزشگاه آزادی این شهر، در جمع هواداران خود حاضر شد. اوسیس کرمانشاه را به مقصد ارومیه ترک کرد و در مرکز آذربایجان غربی، با استقبال گسترده مردم روبه‌رو شد.

▼ به اقلیت «نه»، بگوییم

شب گذشته، آخرین برنامه تلویزیونی پزشکیان - با مردم - از شبکه یک سیما پخش شد. پزشکیان در بخشی از این فیلم که در مسیر فرودگاه مهرآباد برای پرواز به کرمانشاه ضبط شده بود، گفت: «تصور اینکه برخی، حضور مردم پای صندوق را تأیید روندهای خودشان می‌دانستند، باعث شد که برخی نخواهند پای صندوق بایند که به آن‌ها مشروعیت دهند. اما الان مسئله این نیست. الان ما هستیم و یک گروه اقلیت که می‌خواهند با تصمیم‌هایی که در اتاق‌های خودشان می‌گیرند، سرنوشت همه را رقم بزنند. حضور آن‌هایی که نیامدند، می‌تواند با قدرت نشان دهد که این‌طور نبوده و مردم حرف برای گفتن دارند. اگر ما را قبول کردند و رای دادند، اختلاف زیادی در رای‌ها به وجود خواهد آمد و خواهند گفت که با آن اقلیت مخالفند.» او ادامه داد: «اگر نتوانستم به گفته‌ها و قول‌هایم عمل کنم، از ادامه کارهای سیاسی خداحافظی خواهم کرد و ادامه نخواهم داد. قرار نیست عمر‌مان را تلف کنیم و نتوانیم به مردم خدمت کنیم. تبعیض، اجحاف و

و اینک شما



مهرداد خدیبر

معاون سردبیر

۱۵ تیر ۱۴۰۳ خورشیدی در تاریخ معاصر ایران ثبت خواهد شد. این یک جملهٔ کلیشه‌ای نیست که برای قرائت متنی در صداوسیما با پس‌زمینه ترانه یا سرودی ملی و به قصد تهییج مردم به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری نوشته و خوانده شود.

اولین بار هم نیست که برای انتخاب رئیس جمهوری ایران دوقطبی شکل می‌گیرد اما می‌تردید با اغراق هیچ جمعده‌ای در تاریخ این دیار از حیث تعیین و تغییر راه پیش رو این‌گونه تعیین‌کننده نبوده است چراکه صحبت از دو نام نیست، سخن از دو مرام است و دو شیوه در اداره و تمشیت امور و در نوع نگاه به مردم.

۲۷سال قبل و در دوم خرداد ۱۳۷۶ کثیری از جوانان امروز نبودند و به خاطر ندارند اما ما بودیم و آنها شنیده‌اند که سیدمحمد خاتمی و علی‌اکبر ناطق‌نوری در دو قطب قرار گرفتند ولی هر دو روحانی بودند و اشتراکات فراوان داشتند و مهمتر از همه باور به توسعه بود و تفاوت تنها در تقدم نوع توسعه و میزان گشایش. اکنون اما واژه توسعه را هم با آکراه به کار می‌برند یا به کناری نهاده‌اند.

درست است که یکی از جامعهٔ مدنی و تساهل و تسامح می‌گفت و دیگری نامزد حزب مؤتلفه و جامعهٔ روحانیت مبارز و جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم بود ولی دست‌کم در عرصهٔ اقتصاد به آزادی باور داشت. اینکه بعد از ۲۷ سال هر دو موضع واحدی در حمایت از مسعود پزشکیان دارند مؤید همان اشتراکات است و مهمتر اینکه ناطق‌نوری هم ذیل گفتمان توسعه‌گرایی هاشمی‌رفسنجانی تعریف می‌شد؛ هر چند با تقدم توسعهٔ اقتصادی بر سیاسی و فرهنگی اما در نگاه و باور کلی ضد توسعه نبود.

بعدها خود مرحوم هاشمی در گفت‌وگو با تاریخ‌پژوه جنگ - جعفر شیرعلی‌نیا- فاش کرد که در دوم خرداد ۷۶ برخلاف نزدیکان و فرزندان و مشاوران به ناطق‌نوری رای داده است. سخنی که این‌گونه تفسیر شد که به قصد گشودن کمانگی بوده تا بازگردد. کما اینکه سال ۸۴ و بعد از دورهٔ خاتمی بازگشت و در مرحلهٔ اول انتخابات بر صدر هم نشست و در مرحلهٔ دوم که دوقطبی هاشمی‌رفسنجانی- احمدی‌نژاد شکل گرفت بازی را واگذار کرد. اگر نتیجهٔ آن فاجعه‌بار بود و ۱۹ سال است تاوان همان بی‌راهه را می‌پردازیم اما نمی‌توان مردمان را مقصر دانست اگر چه در مرحلهٔ اول شماری از حامیان اصلاحات با تحریم انتخابات یک فرصت تاریخی را از تک داده بودند اما خود سیاسیون اصلاح‌طلب هم مقصر بودند که می‌پنداشتند رقا بختی ندارند و می‌توانند رقابتی درون‌سازمانی را سامان دهند.

نقد برخی هم بر هاشمی‌رفسنجانی فقید است که اگر حاضر

موضوع کاندیدا

بی‌عدالتی را در جامعه داشته باشیم و همچنان ادامه دهیم. اگر نتوانستیم کاری انجام دهیم از مردم می‌خواهم رای‌شان را پس بگیرند. اما به امید خدا و با کمک همین مردم، امکان اینکه نتوانیم کاری کنیم، غیرممکن است. قدرت حاکمیت به حضور مردم است و حاکمیت به درخواست‌های مردم پاسخگوست.»

▼ حکومت با وجود مردم پایدار است

پزشکیان با استقبال پرشور مردم کرمانشاه روبه‌رو شد. تصویری که رسانه‌ها از محوطه ورزشگاه آزادی کرمانشاه منتشر کردند، نشان می‌دهد که صداهای مردم از محوطه با خاطر پر شدن ظرفیت سالن، امکان ورود به محل اصلی برگزاری مراسم را پیدا نکردند. به گزارش خبرنگاران، در جمع مردم کرمانشاه اظهار کرد: کسانی که از شخصیت‌ها و بزرگان برای تخریب دیگران استفاده می‌کنند باید بدانند که قهرمانان این مملکت برای تمام ایران هستند و برای گروهی خاص نیستند. سردار سلیمانی یک قهرمان ملی و یک شهید عزیز برای این آب و خاک است، ایشان یک افتخار برای ایران و ایرانی است و شهیدان عزیز فقط برای قشر خاصی نیستند.

کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری تصریح کرد: شما مردمان افتخار ما هستید و حکومت با وجود شما می‌تواند پایدار بماند که اگر شما نباشید ما هم نیستیم. من مثل شما یکی از بندگان خدا هستم و شور و شوق شما را که می‌بینم بار سنگین مسئولیت را با تمام وجود احساس

تیتیر یک

نمی‌شد دوقطبی نهایی شکل نمی‌گرفت یا کاهش بعد از مرحلهٔ اول کنار رفته بود تا رقابت نهایی بین مهدی کروبی و احمدی‌نژاد برقرار بود و موقعیت خود او هم در مجمع تشخیص مصلحت نظام تضعیف نمی‌شد. به هر رو آن انتخابات به روی کار آمدن پدیده‌ای انجامید که به طعنه از او با عنوان «معجزهٔ هزارهٔ سوم» یاد می‌شود. مبدع این اصطلاح البته قصد کنایه نداشت و است‌خواست حس خود را بیان کند.

فردا اما متفاوت است چون سیاسیون اصلاح‌طلب کام‌های درستی برداشته‌اند. نه از یک نامزد نیابتی که از کاندیدایی عمیقاً اصلاح‌طلب جانبداری کرده‌اند که هر چند تعلق خود را به یک حزب انکار می‌کند ولی در جبههٔ اصلاحات ایران حاضر شده و برنامه ارائه داده و به حمایت صریح رهبری آن پشت گرم است. جبهه اصلاحات از استانداردهای خود هم پایین نیامد و در عین انعطاف جز سه تن از دیگری نام نبردند و وقتی خواست آنان اجابت و دکتر پزشکیان تأیید شد نمی‌توانستند رفتار خود در انتخابات مجلس را تکرار کنند. آن طرف یک گام برداشته بود و آنان نیز قدمی برداشتند، نه به سوی قدرت که در راستای منافع ملت.

آخرین نخست‌وزیر ایران ایستادند اما اتفاقات بعد چنان تود بود و هزینهٔ سیاست‌ورزی را بالا برد که سایهٔ سنگین آن همچنان حس می‌شود و چون دیروز رسماً خواسته شده دلایل کاهش مشارکت در مرحلهٔ اول انتخابات (۸ تیر ۱۴۰۳ یا ۴۰ درصد واجدین شرایط) بررسی شود می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دلایل اتفاقاتی است که از سال ۸۸ شروع شد و در ۹۶ و ۹۸ در سطوحی دیگر رخ داد و در پاییز ۱۴۰۱ ابعاد گسترده یافت و طبیعی است که کمتر از دو سال بعد از آن زخم عاطفی هنوز کاملاً التیام نیافته باشد.

برای سال ۹۲ نمی‌توان به همان صراحتِ انتخابات ۷۶ و ۸۴ و ۸۸ تعبیر دوقطبی را به کار برد اما از حیث گفتمانی دوقطبی شکل گرفت و حسن روحانی یک طرف قرار گرفت با گفتمان تنش‌زدایی و حل مشکل هسته‌ای و التیام زخم ۸۸ برای ترمیم گسست مردم با حاکمان و سوی دیگر همین آقای سعید جلیلی و چند نامزد دیگر از جمله باقر قالیباف که برای دومین بار آمده بود و مانند نوبت قبل و دفعات بعد طرفی نیست و انگار تقدیر او این است که تا کنار آب برود و تشنه بگردد و قریب ۲۰ سال در این کار باشد!

۹۶ اما دوباره دوقطبی شکل گرفت و به یک همه‌پرسی تمام‌عیار تبدیل شد. اگر در ۷۶ سید و شیخ روبه‌روی هم صف آراستند و یکی آرای ۲۰ میلیون ایرانی را به دست آورد و دیگری ۷ میلیون، این بار جای سعید و شیخ تغییر کرده بود و همان سید ۷۶ رأی از حسن روحانی حمایت کرد تا ریاست‌جمهوری او این بار با ۲۴ میلیون رأی استعمار یابد و رقیب را پشت سر گذارد و همین البته مایهٔ حسرت دست در کاران امروز شده که روزی روزگاری مردم مجموعاً به سید دو روحانی ۴۰ میلیون رای می‌دادند؛ حال آنکه در انتخابات ۸ تیر ۱۴۰۳ یگانه روحانی جمع نامزدها که دبیر تشکل قدیمی روحانیت هم هست و از حمایت هم‌صنفی‌ها و هم‌لباسی‌ها برخوردار نبود آرای بسیار کمی را از آن خود کرده اگر چه در مناظره‌ها درخشید و او بود که اول بار سعید جلیلی را از سایه به درآورد و زیر تیغ آفتاب نشاند.

این اشارات از چه روست؟ به خاطر این است که بگوییم دوقطبی‌های قبلی به اندازه فردا دوره‌ای یا دوره‌ای نبوده است. بلکه راه وی‌راه است.